

پایه‌ها و راهبردهای اخلاقی کرامت انسانی در بینش و منش امام خمینی

□ مهدی سلطانی زمانی

چکیده

یکی از بنیادی‌ترین مبانی تعامل اخلاقی بر اساس آموزه‌های دین‌مدارانه امام خمینی که در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بشریت نمایان است، کرامت انسانی است. در اندیشه امام خمینی انسان، آنگاه انسان است و به کرامت انسانی متّصف و دست یافته است که خاک وجودش با زلال دانش و بینش درهم آمیزد و صنعتی نوین در قالب اخلاق و منش متعالی از آن توکّد یابد، به گونه‌ای که در این میدان، دانش به مثابه ابزار و ضرورت، بینش و ایمان به منزله گذرگاه و اخلاق مقصد و نتیجه نهایی محسوب گردد. ایشان، پایبندی به شریعت، پرهیز از خودمحوری و باور به مقامات معنوی را از اصول بنیادین سلوک اخلاقی، تفکر، عزم آهنین، خودسازی درونی، تذکر مداوم و اخلاص را از راهبردهای اساسی و عملی اخلاق در دست‌یابی به کرامت انسانی دانسته‌اند و محور تبلور این پایه‌ها و راهبردها را در وجود انسان، نگاه هدفمند و ارزشی به ساحت عمل و تقرّب الهی به شمار آورده‌اند.

سعی نگارنده در این مقاله آن است که پایه‌های سلوک اخلاقی و راهبردهای اساسی مذکور



را در کسب و پرورش کرامت انسانی و تعامل اخلاق با آن از منظر امام خمینی تشریح نماید و نشان دهد که ایشان بیش از آن که از مسلک‌های فلسفی و عرفانی خاصی جهت رسیدن به کرامت انسانی و بالندگی، حفظ و رشد آن در اخلاق فردی و اجتماعی خویش متأثر باشند، روحشان از آبخور رهنمودهای قرآن و عترت سیراب شده است؛ زیرا جامعیت، فراگیری و تعادل رفتاری ایشان گواه این مدعاست.*

مقدمه

دانش و بینش، دو مشخصه عمده حیات بشری و وجه تمایز آن با سایر نمودهای حیات در پهنه گیتی محسوب می‌گردند و با رهیابی این دو عنصر ارجمند به ساحت عمل مخلصانه، حرمت و کرامت انسانی شکل می‌گیرد و بدون آنها آدمی چون ظرفی گلین خواهد بود که در آن جواهراتی چند نهاده‌اند، بی‌آن که ظرف، کمترین ارزش افزوده یافته باشد. از دیدگاه امام خمینی انسان، آنگاه انسان است و به کرامت انسانی دست می‌یابد که خاک وجودش با زلال دانش و بینش در هم آمیخته و صنعتی نوین در قالب اخلاق و منش متعالی از آن توکد یابد، بنابراین اخلاق، عصاره همه ارزشهای ذاتی و اکتسابی انسان و چکیده تعالیم آسمانی پیامبران است.^۱ دانش نیز در این میدان با تمام ارجمندی‌هایش نقش ابزار و ضرورت را دارد که می‌تواند در دست‌یابی آدمی به اخلاق و عمل متعالی یاری رساند. این نظر برگرفته از قرآن کریم است که می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»^۲

خداوند اهل ایمان و برخورداران از دانش را از میان شما انسان‌ها بر اساس درجات و مراتب، رفعت می‌بخشد و خداوند به آن چه انجام می‌دهید؛ بس آگاه است.

از آیه مذکور این‌گونه استفاده می‌شود که علم و ایمان، دانش و بینش به منزله دو عدد هستند که در یکدیگر ضرب شده و حاصل ضرب آنها کرامت انسانی در سایه‌سار اخلاق و عمل خالصانه است.

امام خمینی در بینش رهروان عرفان عملی و شیفتگان کرامت و منش انسانی به مثابه انسانی

نمونه و خودساخته و ذوب شده در اخلاق الهی به شمار می‌روند که ایشان را جذابیت و محبوبیت بخشیده و تا اوج یک قهرمان در قلب یک ملت بالا برده است. در حقیقت ایشان تالی تلو پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله» بودند که خداوند در توصیف آن بزرگوار فرموده: «وَأَنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۳ همانا تو از اخلاق و منش بس عظیم برخورداری.

امام خمینی به عنوان یکی از وارثان خط انبیا و اولیای الهی چهره‌ای است که باید بخش عظیمی از موفقیت‌های وی را در شخصیت عملی، اخلاقی و کرامت انسانی او جست و جو کرد و این نکته را دریافت که طرح و بررسی چنین موضوعی از دیدگاه آن رهبر فرزانه، بسیار به جا، شایسته و مؤثر است. لذا قبل از ورود به مباحث اصلی مقاله ضرورت دارد که نگاهی هرچند اجمالی به مسلک‌های اخلاقی در بینش امام خمینی داشته باشیم تا ضمن اثبات اظهار فوق نشان دهیم که ایشان بیش از آن که از مسلک‌های فلسفی و عرفانی خاصی جهت حصول به کرامت انسانی و بالندگی آن در اخلاق فردی و اجتماعی خویش متأثر باشند، روحشان از آبشخور رهنمودهای قرآن و عترت سیراب گردیده است.

۱. اخلاق زیستی و همسازی اجتماعی

این جنبه ساده‌ترین و بسیط‌ترین نگاه به مقوله اخلاق است، با این توضیح که انسان در جامعه متولد می‌شود و ناگزیر است که در میان جامعه به نیازهای خود پاسخ گوید، اما نیازها و منافع انسانها با یکدیگر ناسازگاری دارد. آرمان‌ها و خواسته‌های انسان گسترده است و منابع تأمین آن محدود. با این شرایط اگر انسان بخواهد بدون ضابطه و قانونی عمل کند و رفتاری را از خود بروز دهد، به زودی با واکنش‌های شدید مواجه شده، منافع خود را از دست می‌دهد، لذا انسان برای دستیابی به لذات زندگی و برخورداری از رفاه و آسایش، ناگزیر باید رفتار اجتماعی خود را به گونه‌ای سامان دهد که تأمین‌کننده لذت و رفاه او باشد و این سامان‌دهی و ضوابط و روشهای آن «اخلاق» نامیده می‌شود. و خصلت‌هایی چون خوش‌رویی، نرم‌خویی، آرامش، خوش‌زبانی و... از خصلت‌های مثبت آن به شمار می‌رود. به طور کلی، این مسلک اخلاقی با نقائصی روبروست که

□ امام خمینی، بیش از آنکه از مسلک‌های فلسفی و عرفانی جهت حصول به کرامت انسانی متأثر باشند، روحشان از آشخور رهنمودهای قرآن و عترت سیراب گردیده است

□ «طریقت جز از راه شریعت و متعامل با آن امکان‌پذیر نیست و کسانی که نام «اهل الله» بر خویش نهاده و از ظاهر و باطن خویش بی‌خبرند، مستی قلندر و خودبین هستند.»

از این قرار است:

۱- این مسلک، تنها به تنظیم ظاهری روابط اجتماعی انسان‌ها نظر دارد و به نیت و باور که پایه‌ای اساسی در رسیدن به کرامت انسانی توجه ندارد و نمی‌اندیشد.

۲- در این نوع اخلاق، انگیزه اصلی از توجه به آن، منافع فردی و دنیوی است، نه شخصیت معنوی و کرامت انسانی.

۳- پشتوانه اخلاق زیستی، احساس‌های زودگذر عاطفی، مصالح شخصی و عادت‌ها یا رسومات ملی است، نه توجه و کمک به بالندگی کرامت فردی و اجتماعی خویشتن و هم‌نوع خود.

۴- در این نگرش، اخلاق، امری اعتباری و صوری است و در شرایط گوناگون تعریفها و نمودهای متفاوت و گاه متضاد دارد، که به تنهایی نمی‌تواند در تحقق راهبردهای اساسی اخلاق در پرورش کرامت انسانی مؤثر باشد.^۴

۲. اخلاق عقلی و فلسفی

در این نگرش، عقل محور اصلی تشخیص خیر و کمال است و آنچه را عقل خیر و کمال

تشخیص دهد، باید مورد عمل قرار گیرد. در این مسلک، علت ناهنجاری‌های اخلاقی، جهالت و کم‌خردی است و برای مبارزه با فساد اخلاقی، باید به رشد دانش و تعقل همت گمارد؛ زیرا به اعتقاد فیلسوفان، نیکوکاری، بسته به تشخیص نیک و بد، یعنی دانایی است و فضیلت چیزی جز دانش و حکمت نیست و مبنای آن بر پایه اصول اولیه اخلاق سقراطی؛ یعنی حکمت، شجاعت، عفت، عدالت و خداپرستی استوار است و کرامت انسانی بر پایه عقل پرورش یافته و رشد می‌کند، ولی عقل نیز چون دانش در تعامل اخلاق و کرامت انسانی نقش ابزاری داشته و به تنهایی پاسخگوی مصالح عملی و تعالی بشری در همه رفتارهای فردی و اجتماعی نمی‌باشد.

موارد مذکور از اعتقادات فیلسوفان است که خود در نقد آن چنین می‌گویند:

«چون نیکوکاری بسته به تشخیص نیک و بد، یعنی دانایی است، بالاخره فضیلت به طور مطلق جز دانش و حکمت چیزی نیست، اما این دانش چون در مورد ترس و بی‌باکی، یعنی علم به این که از چه باید ترسید و از چه نباید ترسید ملحوظ شود، «شجاعت» است، و چون در رعایت مقتضیات نفسانی به کار رود «عفت» خوانده می‌شود، و هرگاه علم به قواعدی که حاکم بر روابط مردم بر یکدیگر می‌باشد منظور گردد «عدالت» است و اگر وظایف انسان نسبت به خالق در نظر گرفته شود، دینداری و خداپرستی است و این فضایل پنج‌گانه از اصول اول اخلاق سقراطی بوده است و لذا این اصول جنبه‌مقدماتی و ابزاری داشته و در تعامل اخلاق و کرامت انسانی به تنهایی کارساز نیست.»^۵

۳. اخلاق عرفانی و سیر و سلوکی

این مسلک با پیراستن دل از آلودگی‌ها و آراستن آن به زیور «محاسن اخلاق» از راه ریاضت و مجاهدت می‌کوشد تا حقیقت را در آن متجلی گرداند. در این مسلک، حرکت قلبی و عملی مورد نیاز است نه حرکت عقلی و فلسفی. در نگاه عرفان، انسان با تزکیه نفس، راه تعالی می‌پوید و از معبر قلب به قرب الهی و کرامت انسانی دست می‌یابد و درد خداجویی و عشق به کمال الهی را تازیان سلوک می‌شناسد و خط سیر و سلوک را در اخلاق درد و قوس صعود و نزول می‌بیند و مخاطبان خود را در سطحی خاص و آشنا به عرفان می‌شناسد.^۶

□ امام سجاد علیه السلام فرموده‌اند: کسی که از ارشاد و راهنمایی حکیمی فرزانه برخوردار نباشد، تباه می‌شود

□ «تا انسان متأدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچیک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود و به کرامت انسان نرسد.»

امام خمینی از آن جهت که فیلسوفی عارف است، در همه میادین مذکور دستی قوی داشته و محور تبلور این مسالک را در وجود بشری و دستیابی وی به کرامات انسانی متفاوت از نگاه‌های فوق می‌شمرند. ایشان مخاطبان مسلک‌های اخلاقی را به ویژه در عرفان، مخاطبان عام دانسته و نه تنها خود در آن سطح حرکت نموده‌اند، بلکه همگان را دعوت به تحرک در این مسیر کرده و فرموده‌اند:

«طریقت جز از راه شریعت و متعامل با آن امکان‌پذیر نیست و کسانی که نام «اهل‌الله» بر خویش نهاده و از ظاهر و باطن خویش بی‌خبرند، مشتی قلندر و خودبین هستند»^۷

ایشان جریان‌های ساختگی و ریاضت‌های صوفی‌گرانه و باطنی‌گری را نفی کرده و کسب فضایل اخلاقی و کرامت انسانی را بیش از آن که از مسلک‌های فلسفی، اجتماعی و عرفانی خاصی ممکن و متأثر باشد، از رهنمودهای قرآن و عترت امکان‌پذیر دانسته‌اند و توجه به چشمه‌های فیاض قرآن و عترت را دلیلی بر فراگیری و جامعیت رفتاری بندگان مقرب الهی به شمار آورده‌اند. این است که وقتی به تجزیه و تحلیل و نقد کتاب‌های اخلاق می‌پردازد، از افراط و تفریط‌هایی که جامعیت نگاه و بینش قرآن و عترت را وانهاده‌اند، انتقاد نموده و می‌نویسد:

«حتی علمای اخلاق هم که تدوین این کتب کردند، یا به طریق علمی - فلسفی بحث و تفتیش

نمودند، مثل کتاب شریف «طهاره الاعراق» محقق بزرگ ابن مسکویه، و کتاب شریف «اخلاق ناصری» تألیف حکیم متألّه و فیلسوف متبحّر افضل المتأخرین نصیرالملّه والدین (قدس الله نفسه الزکیه) و بسیاری از قسمت‌های کتاب «احیاء العلوم غزالی» و این نحو تألیف علمی را در تصفیه اخلاق و تهذیب باطن تأثیر به سزا نیست، اگر نکویم اصلاً و رأساً نیست و یا از قبیل تاریخ اخلاق است که صرف وقت در آن، انسان را از مقصد اصلی بازمی‌دارد.^۸

پایه‌های سلوک اخلاقی در کسب و پرورش کرامت انسانی

روش عرفانی و سلوک اخلاقی در بینش و منش امام خمینی، جهت کسب و پرورش کرامت انسانی دارای اصول بنیادین و پایه‌های اساسی است که مهم‌ترین آنها موارد ذیل است:

۱. پابندی به شریعت

انسان با توجه به محدودیت‌های خاص ذهنی و عملی خود، بیشتر نگاه جامع به مسائل را فرومی‌نهد و در میدان باور و عمل گرفتار افراط و تفریط می‌شود. از این رو در زمینه تزکیه معنوی و کرامت انسانی و اخلاقی نیز گروهی کاملاً ظاهرگرا و عده‌ای به شدت باطن‌گرا شده‌اند. در حالی که کرامت انسانی و آئین متعالی برای امت وسط، اعتدال در تمسک به ظاهر و اهتمام به باطن است، به طوری که هیچ کدام آسیب نبیند و حق هر یک ادا شود. امام خمینی در این زمینه می‌نویسد:

«و بدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود مگر آنکه ابتدا کند انسان از ظاهر شریعت. و تا انسان متأدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچ یک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود و به کرامت انسانی نرسد، و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود.»^۹

در موردی دیگر درباره التزام به آداب شریعت می‌نویسد:

«و این یکی از مهماتی است که باید نفوس ضعیفه ما به آن خیلی اهمیت دهند و مراقبت کنند که آثار ایمان در جمیع ظاهر و باطن و سرّ و علن، نافذ و جاری باشد.»^{۱۰}

۲. آموختن از استاد و پرهیز از خودمحوری

امام با الهام از آیات قرآن کریم که ارسال رسولان و تعیین اسوه و الگوی عملی را برای تزکیه و تهذیب نفس و کرامت و تعالی انسان‌ها ضروری دانسته است و نیز آیاتی چون آیات مربوط به رویارویی موسی «علیه السلام» با فردی که سمت استادی بر او داشت - خضر نبی «علیه السلام» - و نیز با توجه به این که حرکت بدون راهنما در مسیر سلوک عرفانی و اخلاقی و کسب کرامت انسانی، به طور معمول لغزشگاه‌های فراوان داشته و در عمل دیده شده است که رهپویان بی‌راهنما گرفتار ضلالت و کجروی شده‌اند و رهنمان راه بر آنان بسته‌اند، بر این نکته تأکید دارد که سالک طریق عرفان که تزکیه و تهذیب اخلاقی ثمره طبیعی و ضروری آن است، می‌بایست به استادی بصیر و آموزنده اقتدا کند و با امامی وارسته در راه دستیابی به کرامت انسانی و تقرّب به خداوند و رهایی از نفس، عروج نماید.^{۱۱}

امام خمینی این توصیه را از مکتب اهل بیت «علیهم السلام» دارد که امام سجاد «علیه السلام»

فرموده‌اند:

«کسی که از ارشاد و راهنمایی حکیمی فرزانه برخوردار نباشد، تباه می‌شود.»^{۱۲}



امام در مجالی دیگر به پرسش و شبهه‌ای دیگر پاسخ داده و تصریح کرده است:
«لازم و ضروری است که این عمل (میزان مدارا با نفس و اندازۀ نیاز واقعی آن به لذت‌های حلال) با نظارت و مراقبت و دستورالعمل مردی کامل و راهبری دانا و توانا که دلیل راه باشد، انجام گیرد.»

طی این مرحله بی‌همرهی خضر مکن *ظلمات است بترس از خطر گمراهی*

و اگر کسی را نفس و شیطان غرور دهد، که خود هادی خویشتن به کرامت انسانی بوده و با وجود قرآن، و علم شریعت که جمله بیان خداست، سالک را چه احتیاج به دلیل است؟ جواب این است که شک نیست که این راه جز با چراغ شریعت و هدایت قرآن نمی‌توان طی کرد... چنان که در امراض جسمی به طبیبی نیاز است همچنین در امراض قلبی و بیماری‌های روحی تنها دسترسی به علم شریعت کافی نخواهد بود، بلکه باید تعیین داروهای معنوی با نظر طبیب متخصص باشد که فرمود: *طبیب دوار بطبه قد أحمی مواسمه و أحکم مراسمه.*^{۱۳}

بر این اساس، امام در مباحث اخلاقی خود نیز، دانشوران حوزه‌های علمیه را جهت پرورش کرامت انسانی در درون و تخلّق به اخلاق الهی به تعیین استاد اخلاق برای خویش دعوت می‌نمود و می‌فرمود:

«چگونه است که علم فقه و اصول استاد و مدرّس لازم داشته باشد، ولی علوم معنوی و

اخلاق نیاز به معلّم نداشته باشد.»^{۱۴}

ایشان به سرگذشت موسی و خضر و آیه قرآن استناد جسته که خداوند می‌فرماید: (قال له

موسی هل أتبعك على أن تعلمن ممّا علّمت رشداً)^{۱۵}

همچنین با استفاده از این آیات بیست ادب از آداب تعلیم و تعلّم را استفاده کرده و مورد استناد قرار داده است و با استفاده از آیات مربوط به خدمت موسی در محضر شعیب، نتیجه می‌گیرد که آن خدمت نیز در باطن امر، درس آموزی از محضر پیامبری از پیامبران الهی بوده است.^{۱۶}

۳. باور به مقامات معنوی

امام خمینی یکی از موانع دستیابی به کرامت انسانی و مراتب معنوی را انکار و ناباوری



کرامت و مقامات معنوی می‌داند، چرا که وقتی انسان منکر امری بود، در راه دستیابی به آن تلاش نمی‌کند. از این رو به نظر ایشان بدترین آفت اصلاح نفس و مانع آدمی در حصول کرامت انسانی، بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی به مراتب کمال است.

«بدترین خارهای طریق کمال و وصول به مقامات معنویه که از شاهکارهای بزرگ شیطان قطع الطریق است، انکار مقامات غیبیه معنویه و مدارج کرامت انسانیه است، که این انکار و جحود، سرمایه تمام ضلالت و جهالات است و سبب وقوف و خمود است و روح شوق را که براق وصول به کمالات است می‌میراند و آتش عشق را که رفرع معراج روحانی کمالی است، خاموش می‌کند، پس انسان را از طلب بازمی‌دارد.»^{۱۶}

راهبردهای اخلاقی در پرورش کرامت انسانی

امام خمینی برای تهذیب و تزکیه نفس و پرورش کرامت در نهاد انسانی و به تبع آن سیر و سلوک اخلاقی، مراحل و راهبردهایی را برمی‌شمارد که با منازل سیر و سلوک و مراتب خودسازی و کرامت‌گرایی اهل اخلاق اندکی تفاوت دارد. اصحاب اخلاق و عرفان، چهار منزل، هفت منزل، چهل میدان تا صد مرحله، بیش و کم شمرده‌اند، اما امام خمینی این مراحل را «مجاهده با نفس» نامیده و در چهار مرتبه دانسته است: تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه و محاسبه و تذکر پیوسته.

تفکر

بدان که اول شرط مجاهده با نفس و حرکت به جانب حق تعالی «تفکر» است... و تفکر در این مقام عبارت است از آن که انسان لااقل در هر شب و روز مقداری - ولو کم هم باشد - فکر کند در این که آیا مولای او که او را در این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش و راحتی را برای او فراهم کرده، و بدن سالم و قوای صحیحه که هر یک دارای منافی است که عقل هر کسی را حیران می‌کند به او عنایت کرده، و این همه بسط بساط نعمت و رحمت کرده، و از طرفی هم این همه انبیا فرستاده و کتاب‌ها نازل کرده و راهنمایی‌ها نموده و دعوتها کرده، آیا وظیفه ما با این

مالک الملوك چیست؟^{۱۸} همچنین امام در تأکید بر ضرورت تفکر در هدف آفرینش و فرجام هستی می‌فرماید:

«امید است این تفکر که به قصد مجاهده با شیطان و نفس اماره است، راه دیگری برای تو بنمایاند و موفق شوی به منزل دیگر از مجاهده.»^{۱۹}

«بدان که از برای تفکر فضیلت بسیار است، و تفکر، مفتاح ابواب معارف و کلید خزائن کمالات و علوم است و مقدمه لازمه حتمیه سلوک و کرامت انسانیت است، و در قرآن شریف و احادیث کریمه تعظیم بلیغ و تمجید کامل از آن گردیده...»^{۲۰}

امام خمینی برای تفکر در مسیر کسب کرامت انسانی و مجاهده نفسانی، درجات و مراتبی قائل است که هر مرتبه نتایج دارد، مانند تفکر در حق و اسماء و صفات و کمالات او، یا تفکر در لطایف صنعت و اتقان نظام آفرینش و دقایق خلقت و اسرار هستی، افلاک، نظم سیارات و اسرار آفرینش خود انسان که پس از این جای تردید و غفلت نمی‌ماند:

«آیا پس از این تفکر، عقل شما محتاج به مطلب دیگری است برای آن که اذعان کند به آن که یک موجود عالم قادر حکیمی که هیچ چیزش شبیه به موجودات دیگر نیست، این موجودات را با این همه حکمت و نظام و ترتیب متقن ایجاد فرموده: (افی الله شك فاطر السموات والارض).»^{۲۱}

...تفکر در احوال نفس است که از آن نتایج بسیار و معارف بی‌شمار حاصل شود.^{۲۲}

عزم

دومین راهبرد اخلاقی در پرورش کرامت انسانی و مجاهده نفسانی، «عزم» است. که عبارت است از: «بناگذاری و تصمیم بر ترک معاصی، و فعل واجبات، و جبران آنچه از او فوت شده در ایام حیات، و بالاخره عزم آهنین بر این که ظاهر و صورت خود را انسان، عقلی و شرعی نماید.»^{۲۳}

امام خمینی به نقل از مشایخ خود درباره اهمیت عزم می‌نویسد: «عزم، جوهره انسانیت و میزان امتیاز انسان است؛ و تفاوت درجات انسان به تفاوت درجات عزم اوست.»^{۲۴} و در جای دیگر می‌نویسد: «عزم و اراده قویه در آن عالم خیلی لازم است و کارکن است. میزان یکی از مراتب

□ به نظر امام خمینی بدترین آفت اصلاح نفس و مانع آدمی در حصول کرامت انسانی، بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی به مراتب کمال است

□ امام خمینی پس از تفکر و عزم برای پرورش کرامت انسانی و جهاد با نفس و خودسازی، مشارطه، مراقبه و محاسبه را ضروری دانسته است

اهل بهشت، که از بهترین بهشت‌هاست، اراده و عزم اوست، که انسان تا دارای اراده نافذ و عزم قوی نباشد نه کرامت یافته و نه دارای آن بهشت و مقام عالی شود.^{۲۵}

این قدرت و نفوذ اراده برای پرورش کرامت انسانی و مجاهده با نفس بسیار لازم و کارساز است؛ زیرا آن که اراده‌اش خمود و عزمش مرده است، نخستین گام سیر را نمی‌تواند بردارد و همواره در معرض خطر و سقوط است و بازیچه هوس‌هاست. برای ترک محرّمات، انجام واجبات و التزام به آداب شریعت، نفسی می‌خواهد که صاحب عزمی مقتدر و اراده‌ای مصمم باشد.

«ای عزیز، بکوش تا صاحب عزم و اراده شوی، که خدای نخواستگه اگر بی‌عزم از این دنیا هجرت کنی، انسان صوری بی‌مغزی هستی که در آن عالم به صورت انسان محشور نشوی، زیرا که آن عالم محل کشف باطن و ظهور سریره است و جرأت بر معاصی کم‌کم انسان را بی‌عزم کند و این جوهر شریف را از انسان می‌ریاید.»^{۲۶}

امام خمینی دومین راهبرد اخلاقی در پرورش کرامت انسانی و تهذیب نفس را مستند به این

آیه شریفه قرآن می‌داند: (فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ).^{۲۷}

مشارطه، مراقبه و محاسبه

امام پس از تفکر و عزم برای پرورش کرامت انسانی و جهاد با نفس و خودسازی، مشارطه،

مراقبه و محاسبه را ضروری دانسته است:

«مشارطه آن است که در اوّل روز مثلاً با خود شرط کند که امروز برخلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکند و این مطلب را تصمیم بگیرد... پس از این مشارطه وارد «مراقبه» شوی و آن چنان است که در تمام مدت شرط، متوجه عمل به آن باشی و خود را ملزم بدانی به عمل کردن به آن؛ و اگر خدای نخواستہ در دلت افتاد که امری را مرتکب شوی که خلاف فرموده خداست، بدان که این از شیطان و جنود اوست که می‌خواهند تو را از شرطی که کرده‌ای بازدارند... و به همین حال باش تا شب که موقع محاسبه است، و آن عبارت است از این که حساب نفس را بکشی در این شرطی که با خدای خود کردی که آیا به جا آوردی، و با ولی نعمت خود در این معامله جزئی خیانت نکردی.»^{۲۸}

«اگر مثلاً حساب ما، درست بود و خود ما قیام به محاسبه خود کرده، وحشت از حساب نداشتیم، زیرا که آنجا حساب عادلانه و محاسب عادل است، پس ترس ما از حساب، از بدحسابی خود ماست.»^{۲۹}

تذکر پیوسته

از امور دیگری که یاور انسان در دستیابی به کرامت انسانی و مجاهده او با نفس و شیطان است، «تذکر» می‌باشد و به فرموده امام: «یاد خدای تعالی و نعمت‌هایی که به انسان مرحمت فرموده.»^{۳۰}

«بدان که تذکر از نتایج تفکر است، و لهذا منزل تفکر را مقدم دانسته‌اند از منزل تذکر. جناب خواجه عبدالله فرماید: ... «تذکر فوق تفکر است، زیرا که این طلب محبوب است و آن حصول مطلوب.» تا انسان در راه طلب و دنبال جست و جوست، از مطلوب محجوب است.»^{۳۱}

در دیدگاه امام خمینی یاد تمام و کمال الهی راه حصول به کرامت انسانی و لقاء خدا و عامل تقرّب به درگاه آن ذات لم یزلی است. ایشان با استفاده دقیق و لطیفی از قرآن این برداشت اخلاقی و عرفانی را یاد آور شده‌اند:

«...بدان ای عزیز که تذکر تام از حضرت حق و توجّه مطلق به باطن قلب به آن ذات مقدس، موجب گشوده شدن چشم باطن قلب شود که به آن لقاءالله که قرّة العین اولیاء است حاصل گردد. در نتیجه معرفت و کرامت نفسانی مقدمه‌ای می‌شود برای حرکت در مسیر معرفت الهی؛^{۳۲} که: (والذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا...)»^{۳۳}

□ غفلت از یاد خدای تعالی و اشتغال به لهو و لعب و هوسهای نفسانی و خواسته‌های دنیایی دریچه‌های کرامت را به روی آدمی می‌بندد

□ اخلاص، توصیه محوری امام خمینی در تبلور اخلاق و کرامت انسانی و تعامل آنها در وجود آدمی است

غفلت از یاد خدای تعالی و اشتغال به لهو و لعب و هوسهای نفسانی و خواسته‌های دنیایی دریچه‌های کرامت را به روی آدمی می‌بندد و سخت‌ترین مانع و آفت در مسیر رستگاری وی به شمار می‌آید. این عامل به طور کلی انسان را از کرامت، بصیرت و حقیقت باز می‌دارد: «اگر نفوس، یکسره متوجه دنیا و تعمیر آن باشد و منصرف از حق باشند، گرچه اعتقاد به مبدأ و معاد هم داشته باشند، منکوس هستند و میزان در انتکاس قلوب، غفلت از حق و توجه به دنیا و تعمیر آن است.»^{۳۴}

اخلاص، توصیه محوری امام خمینی در تعامل اخلاق و کرامت انسانی

از توصیه‌های مهم امام خمینی در تثبیت و استواری کرامت انسانی و حفظ مراتب عالیه اخلاق^{۳۵}، که بدان بسیار توجه داشته و با استناد به آیات قرآنی همواره بدان اهتمام می‌ورزیده، خالص کردن انگیزه‌ها و اعمال برای خداوند است، اخلاص، هم در نیت و هم در عمل؛ زیرا میزان و معیار در اعمال، انگیزه‌هایی هستند که مقصد اعمال قرار می‌گیرند. در این مسیر هرگونه قصد و آهنگ غیرالهی، یک نوع شریک قائل شدن برای خدا و ضد توحید به حساب می‌آید، انگیزه‌هایی چون خودبینی، خودخواهی، غرور، عجب، تحقیر دیگران، تظاهر و خودستایی و... «شرک خفی»

نامیده می‌شود و باعث بیگانه شدن از حق هستند. «میزان در عرفان و حرمان، انگیزه است، هر قدر انگیزه‌ها به نور فطرت نزدیک‌تر باشند و از حجب و حتی حجب نور وارسته‌تر، به مبدأ نور وابسته‌ترند، تا آنجا که سخن از وابستگی نیز کفر است.»^{۳۶}

شرک، هرگونه دخالت رضای غیر حق در اعمال - به ویژه اعمال عبادی - است، چه رضای خود و چه رضای دیگران. امام با استناد به آیات شریفه (یَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ).^{۳۷} روایتی را در تفسیر آن آورده است: «قلب سلیم آن است که ملاقات می‌کند پروردگار خود را و حال آن که نیست در آن احدی سوای او و فرمود هر قلبی که در آن شرک یا تردید باشد ساقط است.»^{۳۸}

حضرت امام خمینی ضمن شمردن مراتب اخلاص، نخست اخلاصی را که شرط صحت عمل است و به کار فقه و فقها می‌آید بیان می‌کنند و سپس اخلاص در اخلاق، کرامت انسانی و عرفان را که نظر اهل معناست مورد اشاره قرار می‌دهند، چنان که حقیقت اخلاص را تصفیه عمل از شائبه غیرخدا و صافی نمودن دل از رؤیت غیرحق تعالی در جمیع اعمال صوریه و لیبیه و ظاهریه و باطنیه می‌دانند و کمال آن را ترک غیر، مطلقاً دانسته و پانهادن بر انانیت و بر غیر و غیریت.^{۳۹} سپس مراتب اخلاص را چنین تبیین می‌کنند:

- ۱- تصفیه عمل از شائبه رضای مخلوق و جلب قلوب آنها.
 - ۲- تصفیه عمل از دستیابی به مقاصد دنیوی و رسیدن به مقصودهای فانی و زودگذر.
 - ۳- تصفیه عمل از رسیدن به جنات جسمانیه و حور و قصور و امثال آن از لذات جسمانیه.
 - ۴- تصفیه عمل از خوف عقاب و عذاب‌های جسمانی موعود.
 - ۵- پیراستن عمل از رسیدن به سعادت عقلیه و لذات روحانیّه دائمه ازلیه و ابدیه.
 - ۶- تصفیه عمل از خوف عدم وصول به این لذات و حرمان از این سعادات.^{۴۰}
- «اول قدم سفر الی الله، ترک حبّ نفس است و قدم بر انانیت و فرق خود گذاشتن است و

میزان در سفر همین است.»^{۴۱}

نتیجه

جملات ذیل در این مقاله به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری قابل توجه است:

۱- در اندیشه امام خمینی اتفاق دانش و بینش به عنوان مقدمه جهت دستیابی به کرامت انسانی و منش متعالی محسوب می‌گردد، به گونه‌ای که دانش به مثابه ابزار و ضرورت و بینش و ایمان به منزله گذرگاه و اخلاق و منش متعالی مقصد نهایی به شمار می‌آیند.

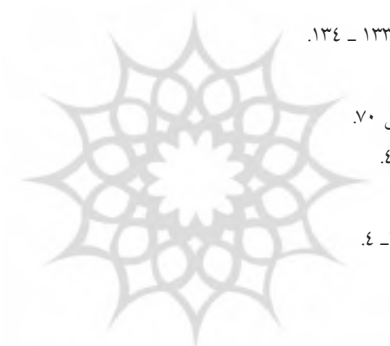
۲- پابندی به شریعت، پرهیز از خودمحوری و باور به مقامات معنوی در بینش و منش امام خمینی از اصول بنیادین سلوک اخلاقی و تفکر، عزم، مشارطه و مراقبه و محاسبه و تذکر مدام از راهبردهای عملی اخلاق در دستیابی به کرامت انسانی قلمداد می‌شوند.

۳- جامعیت، تعادل و فراگیری رفتار امام خمینی به خوبی نمایان‌گر آن است که روح متعالی ایشان از رهنمودهای قرآن و عترت سیراب گردید و بهترین مسیر پرورش کرامت انسانی در سایه‌سار اخلاق الهی نیز همین است.

۴- اخلاص، توصیه محوری امام خمینی در تبلور اخلاق و کرامت انسانی و تعامل آنها در وجود آدمی است زیرا مقصد اصلی اعمال و معیارهای آنها که خداوند متعال است به خوبی نمایان شده و هرگونه آهنگ غیرالهی از اندیشه بشری رخت می‌بندد. در مسیر هدایت و تقرب به خداوند نیز، دل را از رؤیت غیر حق تعالی در جمیع اعمال صاف می‌نماید و نگاه ارزشی و هدفمند خویش را در عمل به ساحت مقدس ربوبی می‌سپارد و حقیقت کرامت انسانی را در اخلاق، ترک غیر حق و پا نهادن بر انانیت و غیریت به شما می‌آورد.

پی‌نوشتها:

۱. مقصود امام خمینی از این سخن آن است که دانش و بینش از ابزارهای مهم و مقدمه برای شکوفایی کرامت انسانی است نه اینکه انسان بدون این مراحل و ابزار از کرامت برخوردار نیست. ثانیاً انسان ذاتاً دارای کرامت است و بر اساس فطرت انسانی کرامت ذاتی در وجود او متبلور بوده و کاملاً مورد تأیید نگارنده این مقاله می‌باشد.
۲. سوره مجادله/ آیه ۱۱.
۳. سوره قلم/ آیه ۴.
۴. رک: موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام خمینی)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، صص ۴۵ - ۶۶.
۵. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، ص ۱۸.
۶. رک: شرفی، حسین، قرآن و اخلاق از منظر امام خمینی، صص ۲۴۷ - ۲۴۸.
۷. رک: امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، صص ۶۸ - ۷۰.
۸. همان، صص ۱۲ - ۱۳.
۹. امام خمینی، چهل حدیث، ص ۸.
۱۰. همان، ص ۵۳۶.
۱۱. رک: امام خمینی، آداب الصلاة، صص ۱۳۳ - ۱۳۴.
۱۲. همان.
۱۳. امام خمینی، پرواز در ملکوت، ج ۱، ص ۷۰.
۱۴. مختاری، رضا، سیمای فرزنانگان، ص ۴۷.
۱۵. سوره کهف/ آیه ۶۶.
۱۶. رک: امام خمینی، آداب الصلاة، صص ۲ - ۴.
۱۷. همو، چهل حدیث، ص ۵۰۷.
۱۸. همان، ص ۶.
۱۹. همان، ص ۷.
۲۰. همان، ص ۱۹۱.
۲۱. سوره ابراهیم/ آیه ۱۲.
۲۲. رک: امام خمینی، چهل حدیث، صص ۱۹۷ - ۱۹۸.
۲۳. همان، ص ۷.
۲۴. همان، صص ۸۷.
۲۵. همان، ص ۱۲۵.
۲۶. همان، صص ۸ - ۹.
۲۷. سوره آل عمران/ آیه ۱۵۹.
۲۸. امام خمینی، چهل حدیث، ص ۹.
۲۹. همان، ص ۳۵۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی

۳۰. همان، ص ۱۰.
۳۱. همان، ص ۲۹۱.
۳۲. امام خمینی، آداب الصلّاء، ص ۳۸۲ (با اندکی تصرّف و تلخیص)
۳۳. سوره عنکبوت/ آیه ۶۹.
۳۴. امام خمینی، چهل حدیث، ص ۵۳۵.
۳۵. استواری کرامت انسانی و حفظ مراتب عالیّه اخلاق حسنه در وجود آدمی را در مسیر قرب الهی، تعامل اخلاق و کرامت انسانی می‌نامند.
۳۶. امام خمینی، نقطه عطف، ص ۱۴.
۳۷. سوره شعراء/ آیات ۸۹ - ۹۰.
۳۸. امام خمینی، چهل حدیث، ص ۳۲۷، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.
۳۹. همو، آداب الصلّاء، ص ۱۶۱.
۴۰. همان، صص ۱۶۱ - ۱۶۲.
۴۱. همو، چهل حدیث، ص ۳۳۳ (با اندکی تلخیص)
- * این مقاله و مقاله جایگاه کرامت انسان در نکات تفسیری امام خمینی و شهید مطهری از مقالات همایش بین‌المللی امام خمینی و قلمرو دین با موضوع کرامت انسان می‌باشد که همزمان در مجموعه مقالات همایش مزبور درج می‌گردد.

